

مجموعه جستارهای همایش ملی و استانی ششمین همایش

کنکاش‌های مفهومی و نظری

دربارهٔ جامعهٔ ایران

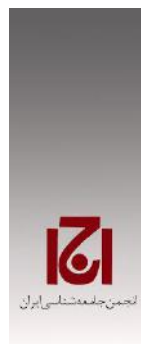
محور ویژه: آینده‌ها و امکان‌های جامعه ایران: فراسوی
افول و بازسازی

به کوشش

عباس وریج کاظمی



انجمن جامعه‌شناسی ایران



مجموعه جستارهای همایش ملی و استانی ششمین همایش

کنکاش‌های مفهومی و نظری دربارهٔ جامعهٔ ایران

محور ویژه: آینده‌ها و امکان‌های جامعه ایران: فراسوی افول و بازسازی

به‌کوشش: عباس وریج کاظمی (عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی)

ناشر: انجمن جامعه‌شناسی ایران

ویراستار: معصومه احمدی ملک‌کیان

طراح جلد و صفحه‌آرا: علی قربی

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۴

شمارگان: ۴۰۰

قیمت: ۱۹۹۴۰۰۰ تومان

این مجموعه مجوز مؤسسه استادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام را داراست.

حامیان اصلی همایش
 معاونت فرهنگی وزارت علوم
 وزارت نفت، دفتر مطالعات رصد اجتماعی وزارت کشور
 انتشارات ایجاد و مؤسسه پرسش



ساختار اجرایی و تیم مجری همایش

- برگزار کننده همایش: انجمن جامعه شناسی ایران
- دبیر علمی همایش: عباس وریج کاظمی
- دبیر اجرایی: حسن حسن زاده
- دبیر محور ویژه: مهدی سلیمانی
- دبیر بخش بین الملل و قائم مقام دبیر علمی همایش: امیرعلی مالکی
- دبیر رسانه‌ای: محسن آزموده
- دبیر ویژه پنل‌های گفت و گویی: محمدرضا تاج‌الدین
- دبیر کمیته داوری و سازمان دهی پنل‌ها: فهیمه نظری
- دبیر بخش هماهنگی با پنل‌های انجمن‌های دانشجویی: نرجس صالح و زهرا دقیانوس
- دبیرخانه همایش: فاطمه کریمخان (مدیر)، بهار شریفی (کارشناس)
- دبیر همایش‌های استانی: وکیل احمدی

اعضای کمیتهٔ علمی و ارزیابی مقالات

فاطمه علمدار، سعید معیدفر، ابوالفضل مرشدی، فهیمه نظری، خدیجه کشاورز، مسعود کوثری،
عالیه شکرپیگی، مهدی سلیمانی، محمدباقر تاج‌الدین، حسن محدثی، رضا صمیم، جمال
محمودی، شیوا علینقیان، فردین علیخواه، آرمان ذاکری، شیرین احمدنیا، محمدرضا کلاهی،
محسن گودرزی، جبار رحمانی، مهرداد عربستانی، سمیه توحیدلو، بهاره آروین، صالح زمانی،
مهدی حسین‌زاده، حامد کیا، لیلا اردبیلی و فرهاد بیانی.

دبیران استانی همایش

دانیال باقری: دبیر استان گلستان
محمد زینالی: دبیر استان اردبیل
سیامک زند رضوی: دبیر استان کرمانشاه
محمد مهدی فرزبد: دبیر استان مازندران
مجید فولادیان: دبیر استان خراسان رضوی
ناز محمد اونتق: دبیر استان خراسان شمالی
اسدالله نقدی: دبیر استان همدان
علی یعقوبی: دبیر استان گیلان
وکیل احمدی: دبیر استان کرمانشاه
علی یاراحمدی: دبیر استان شیراز

کمیتهٔ برگزاری همایش

زهره اصغری، زهرا معینی، آیدا نوابی، نیلوفر باغبان، سپیده محسنی، نیما کاظمی، امیرمحمد
عباسی، بهارک محمودی، محمد فکری، طاهره رضایت، سمیرا جبارنژاد، مهدی زالبک و
حمیده نوری‌زاد، آیدا نوابی، پارسا نصیری، رایحه حسینی، پارسا برداران، زهرا جعفری، الهه
نهادمهر، مهران زارعیان، سنا حشمتی، بهرام رفیع‌زاده، ریحانه فراهانی، محیا ثقفی، حانیه
تعهدی، بیتا نوتاش، ثنا داودی، کیمیا اسدی‌پور، زهرا نوذری، الناز شیر

مؤسسات همکار در برگزاری همایش

دانشگاه تهران: دانشگاه علامه طباطبائی؛ پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات؛ مؤسسهٔ پرسش و
ماهنامهٔ تخصصی پیوست؛ و نشر ایجاد و دفتر مطالعات و رصد اجتماعی وزارت کشور

انجمن‌های همکار

انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات؛ انجمن انسان‌شناسی ایران؛ اتحادیه انجمن‌های علوم اجتماعی.

انجمن‌های علمی دانشجویی همکار

انجمن علمی- دانشجویی انسان‌شناسی دانشگاه تهران
انجمن علمی- دانشجویی جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی
انجمن علمی- دانشجویی جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس
انجمن علمی- دانشجویی آسیب‌های اجتماعی دانشگاه خوارزمی
انجمن علمی- دانشجویی جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی
انجمن علمی برنامه‌ریزی شهری و توسعه منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبایی
انجمن علمی- دانشجویی مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی
انجمن علمی- دانشجویی جامعه‌شناسی دانشگاه تهران
انجمن علمی- دانشجویی سیاست‌گذاری اجتماعی دانشگاه تهران
انجمن علمی مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبایی

ویراستاران

ویراستار کتاب چکیده‌ها: اسما کرچی
ویراستار کتاب جستار: معصومه احمدی ملک‌کیان

فهرست

مقدمه؛ در میانه فرسایش و خیال: تأملی در وضعیت اکنون ایران..... ۱۵

فصل اول:

جامعه ایرانی در آیین مفاهیم: بازاندیشی در چارچوب‌های تحلیل اجتماعی

برآمدن سوژه پیرامونی و نابسندگی منظومه‌های مفهومی هژمون در تحلیل تحولات جامعه ایرانی.....	۲۱
بازاندیشی انتقادی مفاهیم بنیادین در تحلیل جامعه ایران: از اسطوره‌های جهان‌شمول تا ضرورت زمینه‌گرایی رادیکال	۳۵
بازخوانی نقادانه مطالعات جامعه‌شناسی روستایی در ایران: معضل نام‌گذاری فرم‌اسیون اجتماعی و فروماندگی در گفتمان شرق‌شناسی.....	۴۹
فراسوی طبقه؛ ضرورت‌های نظری - مفهومی بحث درباره تجربه تبعیض در یک جامعه شبه‌سرمایه‌دار	۷۱
دو خوانش غالب از مشروطه و امکانات عبور از آن: رویکرد ایده‌محور و رویکرد نخبگانی.....	۸۳
گفتمان‌های تخصصی، چرخه‌های ناهمسو و فرسایش تمدنی در ایران معاصر.....	۹۵
جامعه دوگانه و نمایشی: چارچوبی در جهت ارائه کنکاشی نظری و مفهومی در باب جامعه ایران.....	۱۰۷
جامعه نمایشی.....	۱۲۷
تحلیل مفهومی جامعه ایران به مثابه جامعه پرمخاطره.....	۱۳۱
ایران، منطق امتناع.....	۱۴۹
امتناع انقلاب در ایران امروز.....	۱۶۳
فهم رابطه‌مندی جهان اجتماعی پویا: بیگانگی‌زدایی از مناسبات بیگانه‌شده.....	۱۷۱
دگرگشت تودرتو، حک‌شدگی به مثابه فضای حالت.....	۱۸۳
چالش‌ها و امکان‌های تحلیل مارکسیستی تحولات اجتماعی آینده ایران.....	۱۹۵
در باب سطح گفتمان.....	۲۱۵
فرایند مشارکت اجتماعی و جامعه در حال بحران (مورد بررسی برخی از پژوهش‌های دانشگاهی).....	۲۳۱
کاربست سنتز پژوهی در شناخت پدیده‌های اجتماعی در ایران.....	۲۳۹
نظام اجتماعی قرآنی و بررسی مسائل اجتماعی ایران: جستاری در آرای نظری فرامرز رفیع‌پور.....	۲۵۹

۲۶۹.....	سه جست‌وجوی زبان‌های نو برای هم‌زیستی.....
۲۷۷.....	فراتر از سوژه نولیبرال ایرانی: نظریه اجتماعی تاریک و نیروی فرهنگ.....
۲۸۷.....	مرگ، طبقه اجتماعی و آینده ایران.....

فصل دوم:

دانشگاه، علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی در ایران: چالش‌ها، امکان‌ها و افق‌های نظری

۳۰۱.....	سه دانشگاه؛ نقدی بر شناخت و مفهوم‌سازی دانشگاه ایرانی.....
۳۱۷.....	زوال امر دانشگاه در ایران.....
۳۳۱.....	امکان و امتناع نظریه‌پردازی جامعه‌شناسانه در ایران.....
۳۴۵.....	بازدارنده‌های نظریه‌پردازی جامعه‌شناختی در جامعه ایران.....
۳۵۷.....	تأملی بر شکل‌گیری مفهوم زندگی روزمره در علوم اجتماعی ایران.....
۳۷۱.....	تفکر در سایه؛ بن‌بست بومی‌سازی علوم اجتماعی در ایران.....
۳۹۱.....	چالش‌های بومی‌سازی جامعه‌شناسی در ایران.....
۴۰۷.....	پرنگاه ایدئالیسم اندیشی؛ نقدی درون‌ماندگار بر روشنفکری پس از انقلاب.....
۴۲۳.....	جامعه‌شناسی بی‌بنیاد نقدی بر آموزش و پژوهش جامعه‌شناختی در دانشگاه‌های ایران.....
۴۳۵.....	علوم اجتماعی و انقلاب فرهنگی؛ نخستین کتاب‌های درسی دانشگاهی علوم اجتماعی در ایران پس از انقلاب.....
۴۴۹.....	دگرگونی در زمینه خط‌مشی‌گذاری فرهنگی و چالش‌های پیش‌روی جامعه‌شناسی ایرانی.....
۴۶۵.....	نگاهی به خوانش ناقص از دورکیم: مسئله امر اجتماعی تام و چالش پیش‌روی علوم اجتماعی شناختی در ایران.....
۴۷۵.....	برون‌افتادگی جامعه‌شناسی سیاست‌گذار انتقادی: ضرورتی برای بازاندیشی در سنت‌های جامعه‌شناسی ایرانی.....
۴۸۹.....	علیت، مکانیسم و تبیین؛ «تبیین» در رئالیسم انتقادی و اهمیت آن برای علوم اجتماعی ایران.....
۵۱۱.....	مفهوم پتانسیل فرهنگی در نظریه فرهنگی مرتضی فرهادی تأملی در مسئله ابداع مفاهیم نظری در علوم اجتماعی ایران.....
۵۲۵.....	آینده بر دوش گذشته؛ دلالت‌های آینده‌شناسانه گونه‌های جامعه‌شناسی تاریخی ایران.....
۵۴۷.....	این سو و آن سوی دیوارهای دانشگاه: از علوم اجتماعی محصور به سوی همگانی کردن آن (یک تخیل اجتماعی).....
۵۶۱.....	ناسیو-سوسیولوژی (تحلیل و نقد رهیافت گفت‌مانی علوم اجتماعی در ایران).....
۵۷۱.....	آموزش جامعه‌شناسی به‌عنوان ابزاری برای توانمندسازی اجتماعی در ایران.....
۵۸۷.....	همه‌جا و هیچ‌کجا؛ جستاری در فهم جامعه‌شناسی بیرون دانشگاه.....
۵۹۷.....	جامعه‌شناسی برون‌آکادمی، پیشینه‌ها، پویایی‌ها و چشم‌اندازها.....
۶۱۷.....	شهراندیشی؛ امکانی برای بازاندیشی در علوم اجتماعی.....
	فقر زبانی و پیامدهای آن در فضای تعاملات اجتماعی: پرسش از کجایی جامعه‌شناسی ایرانی با تمرکز بر مقوله
۶۳۹.....	خشونت‌های اجتماعی اردبیل به‌مثابه پیامد تضعیف زبان.....
۶۵۱.....	دانشنامه جامعه‌شناسی ایران و فراز و نشیب‌های آن.....
۶۶۱.....	تعیین نسبت جامعه‌شناسی سیاست‌گذار در ایران با سنخ‌شناسی مایکل بوراووی.....

فصل سوم:

حکمرانی و دولت در ایران: تحلیل تاریخی، سیاسی و جامعه‌شناختی تحولات معاصر

- ۶۷۳..... بررسی وضعیت شکنندگی دولت در ایران: تحلیل روند دو دههٔ اخیر و مقایسهٔ تطبیقی با سایر کشورها.....
- ۶۹۱..... بحران، حکمرانی و تاریخ فقدان در مشروطیت.....
- اهمیت دیوان‌سالاری در دستیابی به اهداف عمومی در ایران؛ بررسی سازمان برنامه‌بودجه در دورهٔ ریاست ابوالحسن
- ۷۰۵..... ابتهاج از منظر جامعه‌شناسی سازمان‌ها.....
- ۷۱۷..... دولت و جامعه: تقابل ناگزیر یا همزیستی ممکن؟.....
- ۷۳۱..... از سامان‌دهی دولت تا ادارهٔ جامعه: بازنویسی‌های قرارداد اجتماعی در ایران معاصر.....
- ۷۳۷..... گرایش به اقتدارگرایی انتخاباتی و تشدید سرخوردگی سیاسی در ایران امروز.....
- ۷۴۷..... حذف جمهوری‌خواهی در گذار انقلابی: تحلیل تحولات سیاسی از دولت موقت به جمهوری اسلامی.....
- ۷۶۳..... مقاومت و تخیل سیاسی در ایران امروز: نگاهی به چشم‌داشت‌های ایرانیان از نهاد دولت.....
- ۷۸۱..... کندوکاوهای گفتمانی مفهوم کارآفرینی در ایران دولت‌تدبیر و امید.....
- ۷۹۹..... چالش‌ها و امکان‌های آیندهٔ ایران (نمونهٔ موردی رابطهٔ ایران-غرب در آرایش جدید نیروها).....
- ۸۱۵..... جامعه‌شناسی اقوام و مسئلهٔ همگرایی و وفاق اقوام؛ چالش‌ها و راهبردها مورد مطالعه: قوم بلوچ.....

فصل چهارم:

ناسیونالیسم و سیاست هویتی: بازخوانی هویت ایرانی

- ۸۳۱..... احضار تاریخ، ناسیونالیسم و بحران وطن‌دوستی تحلیلی بر بازتفسیر هویت ملی در ایران معاصر.....
- ۸۵۱..... نگاهی به چهار هویت انسجام‌بخش ایرانیان در تاریخ این سرزمین.....
- ۸۶۵..... چشم‌انداز جنبش‌های اجتماعی ایران در کشاکش با سیاست‌های هویت.....
- ۸۷۷..... حرکت به سمت شمول‌گرایی، از مشروطه تا امروز.....
- ۸۹۱..... مسئله‌مندکردن گفتمان «مرز».....
- ۹۰۳..... جامعه‌شناسی، دیگری و دیگری آستانه‌ای.....

فصل پنجم:

خانواده، سالمندی و جمعیت در ایران: چالش‌ها و مسائل دموگرافیک

- از گذار جمعیت‌شناختی تا دورهٔ انتظار: ناکارآمدی سیاست‌های جمعیتی و ظهور پدیدهٔ اثر انتظار در خانواده‌های ایرانی
- ۹۱۹.....
- ۹۳۱..... بحران نظریهٔ اجتماعی در مدیریت خانوادهٔ ایرانی با تأکید بر مسئلهٔ طلاق.....
- ۹۴۱..... تبیین جامعه‌شناختی مسئلهٔ مهریه در جامعهٔ ایران (مورد مطالعه: شهر تهران).....
- ۹۵۵..... تناقض باروری پایین در جامعه‌ای خانواده‌محور: تحلیل تعامل عوامل ساختاری، فرهنگی و نهادی در ایران.....
- ۹۸۱..... خانوادهٔ ایرانی در احتضار مسائل اجتماعی نهاد خانواده در ایران امروز و راهبردهای حمایت از آن.....

۹۹۷.....	کنکاشی از تجربه گذار جمعیتی ایران و پیامدهای محتمل آن.....
۱۰۰۵.....	ناکامی نظریه پردازی درباره تحول خانواده در ایران.....
۱۰۱۷.....	فناوری و آینده خانواده در ایران: تحلیل روندها و سناریوهای محتمل.....
۱۰۲۵.....	آینده کودکی در ایران.....
۱۰۳۳.....	تجربه زیسته فرزندان جانبازان قطع نخاعی.....
۱۰۴۷.....	مراقبت گریزی از سالمندان در خانواده های ایرانی: یک مسئله اجتماعی در حال ظهور.....
۱۰۵۹.....	پیامدهای سالمندی جمعیت در استان مازندران.....
۱۰۷۷.....	سالمند واقعی و سالمند آرمانی (مورد مطالعه: سالمندان آموزش و پرورش استان گیلان).....
۱۰۹۵.....	عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی سالمندان بازنشسته دانشگاه علوم پزشکی گیلان (مطالعه موردی: بازنشستگان ساکن در شهر رشت).....
۱۱۰۹.....	افسانه سالمندی: باورهای عامه درباره پیری و رابطه آن با سلامت عمومی سالمندان.....
۱۱۲۵.....	فصل ششم: مطالعات زنان و جنسیت: چالش ها و تحولات در جامعه ایرانی.....
۱۱۲۷.....	جنبش زنان: ترسیم کننده آینده ایران.....
۱۱۴۱.....	نظریه تقاطع: رویکردی نوین در فهم و تغییر نابرابری در جوامع متکثر.....
۱۱۵۵.....	نقش زنان در مدیریت آموزش عالی و ضرورت های بازنشستگی در آینده جامعه ایران.....
۱۱۶۵.....	دشواری تشکیل سوژه زنانه خودمختار، با تأکید بر نقش میانجی علوم اجتماعی ایرانی.....
۱۱۷۹.....	نظریه پردازی در حوزه مطالعات زنان، توهم یا واقعیت؟.....
۱۱۹۵.....	بررسی انتقادی تحقیقات انجام شده در زمینه زیست جهان سیاسی زنان (یک مطالعه مروری سیستماتیک بر ۳۰ پژوهش منتخب).....
۱۲۱۷.....	از حاشیه تا هستتگ: زنان و تولید دانش اجتماعی.....
۱۲۳۳.....	امکان های دینی در موضوع کثرت گرایی جنسیتی (با نگاهی به تجربه زیسته زنان و مردان تراجنسیتی).....
۱۲۴۵.....	وقتی که قلمروهای چندگانه زندگی پرابلماتیک می شوند: از هم گسیختگی زیست جهان و روایت های زنان از همسر آزاری علیه مردان.....

فصل هفتم:

فقر، محرومیت و حاشیه نشینی: روایت هایی از شهرهای ایران

۱۲۵۷.....	حاشیه نشینی شهری و بازتولید نابرابری اجتماعی: تحلیل جامعه شناختی از مفهوم پردازی حاشیه ای ها در کلان شهرهای ایران.....
۱۲۶۹.....	مسئله حاشیه نشینی: ضعف توانمندسازی یا غفلت از توسعه اجتماع محور.....
۱۲۹۳.....	بیگانگی، نابرابری و سلطه: شرح مسئله درباره «تهران».....
۱۳۰۷.....	فقر قابلیتی در مناطق پیراشهری و حاشیه نشین کلان شهر کرمانشاه.....
۱۳۲۵.....	تبیین جامعه شناختی عوامل مؤثر بر محرومیت اجتماعی در حاشیه شهر گرگان.....
۱۳۳۳.....	عقلانیت تهاجمی در اردبیل: تلاشی برای درک ساختارهای آسیب زای شهر اردبیل.....
۱۳۴۵.....	نقد مفهوم توسعه شهری در ایران: بررسی تاریخی تمرکز در تهران و چالش های نظریه پردازی.....

گسترش فقر و بازتولید فرودستی در جامعهٔ ایرانی: نگاهی جامعه‌شناختی.....	۱۳۷۵
سایه‌های فراموش‌شده: زایش جوامع شبه‌اشتراکی در نبرد با محرومیت.....	۱۳۸۷
ساخت سوژهٔ قربانی در ایران: تحلیل جامعه‌شناختی پدیدهٔ شوتی سواری در لرستان.....	۱۳۹۷
تحلیل دیوانه‌نویسی در سرویس‌های بهداشتی ترمینال‌های بین‌شهری (مطالعهٔ موردی شیراز، تهران و مشهد).....	۱۴۱۵
بررسی تجربهٔ اقدام‌کنندگان به خودکشی در شهر رشت.....	۱۴۳۵
پیامدهای اجتماعی افغان‌ستیزی و ساخت دیوار مرزی.....	۱۴۵۱
تأملاتی دربارهٔ وضعیت افغانی‌ها.....	۱۴۶۳

فصل هشتم:

فرهنگ دیجیتال، رسانه و جامعه: بازتاب تحولات نوین در ایران

از توییت تا مسمومیت مجازی: کنکاش نظری در باب پدیدهٔ نفرت‌پراکنی مجازی.....	۱۴۷۷
از دانشگاه تا فضای دیجیتال؛ بررسی روند دموکراتیک‌شدن فرهنگ مورد پادکست.....	۱۴۹۳
پروفایلی‌شدن جامعه‌شناسی ایران: گرافیک اینترنتی جامعه‌شناسی.....	۱۵۱۳
جهانی‌سازی مقاومت: تحلیل تعاملات محلی و فراملی در جنبش زنان ایران با رویکرد کنشگری دیجیتال.....	۱۵۳۱
حضور روستاها در حوزهٔ عمومی آنلاین ایران: تحلیل کارزارهای روستایی ثبت‌شده در پلتفرم کارزار.....	۱۵۴۷
هوش مصنوعی و حافظهٔ جمعی در ایران: فرصت‌ها و تهدیدها.....	۱۵۵۷
تأملی بر نسبت هوش مصنوعی با عرصهٔ سلامت و پزشکی در ایران.....	۱۵۶۷
بازنمایی موضوعات «اجتماعی» در روزنامه‌های انگلیسی‌زبان ایران: مطالعهٔ موردی روزنامهٔ تهران‌تایمز (ده‌ماههٔ ابتدایی سال ۱۴۰۳).....	۱۵۷۷
تنوع بازارها و نسبت آنها با شرایط اجتماعی.....	۱۵۹۷

فصل نهم:

جامعهٔ ایران در آیینۀ بازنمایی‌های فرهنگی: سینما، ادبیات و هنرهای معاصر

برساخت فیگور قهرمان در تولیدات فرهنگی دههٔ نود ایران.....	۱۶۱۱
پیکار همیشگی: شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار جامعه بر هنرهای تجسمی معاصر.....	۱۶۳۳
من به هر جمعیتی نالان شدم تصویر «جمعیت» در سینمای معاصر ایران.....	۱۶۵۷
یوتوپیا در تخیل ایرانی: تحول تصویر آرمانی از واقعیت در ساحت ادبی ایران معاصر.....	۱۶۶۹
نقش پارادایمی ادبیات فارسی در ایجاد موقعیت برای آیندهٔ توسعه ایران.....	۱۶۸۵

فصل دهم:

جنبش‌های اجتماعی ایران: زن، زندگی، آزادی و فراتر از آن

دموکراسی خیابان: شکست پروژهٔ مهندسی اجتماعی و فوران جنبش‌های اجتماعی در ایران پس‌انقلابی.....	۱۷۰۵
ناسیونالیسم، جنسیت و مقاومت دیجیتال: تحلیل روایت‌های رقیب در جنبش زن، زندگی، آزادی.....	۱۷۲۱

آینده‌نگری جامعه ایران در آینه تألیفات جنبش زن، زندگی، آزادی در ایران‌شناسی جهان.....	۱۷۳۳
تبیین جنبش‌های اجتماعی معاصر در ایران از منظر پارادایم تفسیری پرگمیتیستی.....	۱۷۴۵
جنبش‌ها و عواطف جمعی.....	۱۷۶۷
افق اعتراضی و «جنبشی» جامعه ایران.....	۱۷۷۳

فصل یازدهم:

توسعه و محیط‌زیست؛ چالش‌های توسعه پایدار

جایگاه مفهومی و نظری محیط‌زیست و طبیعت در نظریه‌های جامعه ایرانی.....	۱۷۸۱
نگاهی جامعه‌شناختی به نقش و جایگاه محیط‌زیست در الگوهای توسعه.....	۱۷۹۷
اقتصاد رفتاری و اعتماد عمومی: تأثیر آن بر توسعه پایدار ایران.....	۱۸۱۳
بررسی ضرورت نگرش دیالکتیکی به مقوله توسعه در ایران.....	۱۸۲۳
توسعه در ایران: امکان یا امتناع.....	۱۸۳۹
فهم جامعه و اقتصاد ایران از منظر دیدگاه آرایش.....	۱۸۵۷
نگریستن به جامعه ایران از منظر حرفه‌های حصارى: مطالعه بازار کار صنعت فشن.....	۱۸۶۷
تحلیل جامعه‌شناختی کارآفرینی اقتصادی و امکان‌های پیش‌روی جامعه دانش‌بنیان ایران.....	۱۸۸۱

فصل دوازدهم:

دین در افق تغییرات اجتماعی ایران معاصر

شناسایی مؤلفه‌های عرفی‌ساز در زیست‌حیات اخلاقی جوانان با کاربست روش نظریه‌مبنایی (مطالعه جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله کردستان ایران).....	۱۸۹۷
واقعیت اجتماعی جامعه ایران معاصر در نسبت با امر دینی: توان‌های فرهنگی / امکان‌های سیاسی / آینده‌های اجتماعی.....	۱۹۱۳
ورود به عصر پسادینی جامعه: نگاهی به داده‌های تجربی.....	۱۹۲۵
«جامعه‌سازی دینی» تلاشی در نامیدن گفتمانی دینی در ایران معاصر.....	۱۹۴۳
عرفان‌ستیزی و انحطاط‌باوری.....	۱۹۵۵
کاربست روش تحلیل مضمون برای فهم تضادهای مبتنی بر دین در زیست اجتماعی استان کردستان.....	۱۹۷۱

فصل سیزدهم:

جوانان و نسل‌ها

سرآب امید اجتماعی جوانان جامعه ایرانی.....	۱۹۸۹
تأکیدزدایی از اقتدار در سیاست و تمایل به استقلال فردی فراترکیب مطالعات مرتبط با نسل زد در ایران.....	۲۰۰۳
چالش‌های جامعه ایرانی با نسل جدید: نقد نظرات و لزوم توجه به کثرت‌ها.....	۲۰۲۳
سرنوشت کیفیت جمعیت و تعاملات اجتماعی نسل آینده ایران در کشاکش تکاپوی معاش و دغدغه فرهنگ.....	۲۰۳۳

فصل چهاردهم:

رویکردهای میان‌رشته‌ای در علوم اجتماعی

- ۲۰۵۳ به‌سوی رویکرد میان‌رشته‌ای در علوم برای زیست بهتر انسان با بهره‌گیری از الگوی تلفیقی پیتر برگر (برساخت‌گرایی اجتماعی)
- ۲۰۶۹ تأثیر طراحی مجتمع‌های مسکونی بر سرمایه اجتماعی ساکنین تلفیق مهندسی معماری با جامعه‌شناسی
- ۲۰۸۵ نقش مطالعات میان‌رشته‌ای در تحقیقات علوم اجتماعی؛ با نگاهی به ظهور فناوری‌های جدید
- ۲۱۰۵ خدمات متقابل جامعه‌شناسی درمانی و مددکاری اجتماعی در مسائل اجتماعی ایران

فصل پانزدهم:

سایر جستارها

- ۲۱۱۳ تبیین جامعه‌شناختی نقش نهادهای مدنی در مشارکت اجتماعی شهر اردبیل
- ۲۱۲۷ تحلیلی از «اعتماد اجتماعی» در ایران
- ۲۱۴۵ برنج به‌مثابه شیء مرزی: نگاهی جامعه‌شناختی به محصول استراتژیک برنج در ایران
- ۲۱۶۳ تدارک نظری و مفهومی برای ارائه نظریه‌ای عمومی در باب خیر اجتماعی نهادمند در ایران
- ۲۱۸۴ در جستجوی نیروهای جادویی زمانه ما تأملاتی دربارهٔ ادغام تأثرات عاطفی در تحلیل گفتار
- ۲۲۰۵ مفهوم شکست در سازمان‌های مردم‌نهاد کنکاشی دربارهٔ درک معنا و مفهوم «شکست» در فعالیت نهادهای مدنی
- ۲۲۱۵ منافع، شبکه‌ها و فرهنگ سرمایه‌داری در ایران (مروری بر پژوهش‌های میدانی جامعه‌شناسی اقتصادی زندگی روزمره)
- ۲۲۳۱ نگاهی به هندسهٔ دیالکتیکی و افق‌های پیش‌رو در جامعه‌شناسی درمانی در جوامع درون‌ساخت و برون‌ساخت
- بازنمایی علل کاهش انگیزهٔ شغلی دبیران و هنرآموزان در انجام فعالیت‌های حرفه‌ای در راستای گروه‌های آموزشی استان گلستان
- ۲۲۴۷ روایت صلح و آیندهٔ ایران: نقش جامعه‌شناسی مردم‌مدار در تحقق صلح
- ۲۲۵۷ پلی که پل نیست!
- ۲۲۶۹ جامعه‌شناسی مردم‌مدار و مطالعهٔ میدانی امکان‌ها و روایت‌های مردمی از راهکارهای حفظ و احیای یک میراث تاریخی
- ۲۲۸۱ سبز (باغستان سنتی شهر قزوین میراثی هزارساله)
- ۲۲۹۷ کنکاشی بر کسب‌وکار در یزد: مطالعهٔ انسان‌شناختی دشت اول در بازار یزد
- ۲۳۲۳ بررسی آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی مهاجرت‌ها به استان گیلان
- ۲۳۳۶ مهاجرت معکوس به گیلان: تضاد بین نظریه و واقعیت

اهمیت دیوان سالاری در دستیابی به اهداف عمومی در ایران؛ بررسی سازمان برنامه و بودجه در دوره ریاست ابوالحسن ابتهاج از منظر جامعه‌شناسی سازمان‌ها

حسن ایلات‌زاده^۱، نوح منوری^۲

مقدمه

تأسیس سازمان برنامه و بودجه در ایران در سال ۱۳۲۷ حاصل دوره‌ای طولانی از اندیشیدن به لزوم برنامه‌ریزی و محوریت‌بخشیدن به سازمانی جهت نظارت بر طرح‌ها و برنامه‌ها بود اما در نهایت، مدیریت ابوالحسن ابتهاج (۱۳۳۳-۱۳۳۷) بر این سازمان، نظام برنامه‌ریزی در ایران را به مرحله‌ای جدید وارد کرد (مولایی و وهیبی‌فخر، ۱۳۹۹: ۲۰۹). ابتهاج تا قبل از این منصب، سوابق زیادی در مدیریت بانک و مشاوره صندوق بین‌المللی پول داشت و سازمان برنامه نیز تا قبل از مدیریت ابتهاج چندین مدیر عوض کرد که جملگی ناموفق بودند. ابتهاج درباره این مورد می‌گوید که از زمانی که در بانک شاهی بوده است تا روزی که در سازمان برنامه شروع به کار کند، سال‌ها بر فکر برنامه‌ریزی برای اصلاح وضع اقتصادی و اجتماعی ایران تأکید می‌کرده است، چون معتقد بوده است که کشوری مانند ایران با امکانات مالی و نیروی انسانی محدود و احتیاجات نامحدود باید

۱. کارشناس جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، رایانامه:

h.ilatzadeh29@gmail.com

۲. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، نویسنده مسئول، تهران، ایران، رایانامه:

monavvary@ut.ac.ir

دارای برنامه باشد (معینی، ۱۳۹۹: ۵۵)؛ به این ترتیب، تا قبل از تأسیس سازمان، شورای اقتصاد و هیئت عالی برنامه، متولی این امر بودند و ابتهاج در آنها نیز نقش‌آفرینی داشت؛ از این‌روست که برای ابتهاج، عناوین و القاب گوناگون از جمله نماد مبارزه با فساد، شایسته‌ترین مقام دولتی در خاورمیانه، پیشگام نوگرایی ایران، نخستین تکنوکرات ایران و غیره به کار می‌رود (امیدی، ۱۴۰۳). موضوع جستار پیش‌رو، بررسی سازمان برنامه‌بودجه در زمان ریاست ابوالحسن ابتهاج، از خلال مفاهیم و معیارهای برگرفته از جامعه‌شناسی سازمان‌هاست که در سه سرفصل کلی ارائه شده است.

برنامه‌بودجه: سازمانی دیوان‌سالارانه و مدرن

معیار اول چارچوب مفهومی پژوهش حاضر، تحت تأثیر اندیشه‌های وبر دربارهٔ ویژگی‌های دیوان‌سالاری مدرن است. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: تقسیم وظایف و اختیارات رسمی و منظم و باثبات، وجود سلسله‌مراتب اداری، غیرشخصی‌بودن روابط، آموزش تخصصی و گزینش و ارتقا بر مبنای شایستگی، وجود پرونده‌ها و اسناد مکتوب برای نگهداری سوابق، استخدام تمام‌وقت و غیرتفنی و حاکمیت قوانین و مقررات. بر مبنای همین ویژگی‌هاست که مهم‌ترین عنصر برتری دیوان‌سالاری مدرن بر سنخ پیشامدرن آن به دست می‌آید؛ یعنی بازدهی و بهره‌وری بالای آن. وبر نیز اشاره می‌کند که «علت اصلی پیدایش و توسعهٔ سازمان دیوان‌سالارانه همواره برتری صرفاً فنی آن بر سایر شکل‌های سازمان‌دهی بوده است. نسبت سازوکار کاملاً توسعه‌یافتهٔ دیوان‌سالارانه به سازمان‌های دیگر، درست مانند نسبت تولید ماشینی است به شیوه‌های تولید غیرماشینی» (وبر، ۱۳۸۷: ۲۴۴).

سازمان برنامه‌بودجه در زمان ریاست ابوالحسن ابتهاج را باید واجد ویژگی‌های دیوان‌سالاری مدرن دانست؛ به عنوان نمونه، به این شرح از خاطرات ابتهاج توجه کنید: «نخستین روزی که به سازمان برنامه رفتم دیدم عکس بزرگی از شاه و عکس دیگری به همان اندازه از عبدالرضا پهلوی در اتاق مدیرعامل نصب کرده‌اند. دستور دادم عکس را برداشتنند. پس از چندی، به من گفتند که شعبان جعفری با عده‌ای از چاقوکش‌هایش آمده‌اند جلوی ساختمان سازمان برنامه و عکس‌های شاه و عبدالرضا را آورده‌اند که در دفتر مدیرعامل نصب کنند و می‌گویند هر کس بخواهد مانع شود او را می‌زنند. وقتی چگونگی موضوع را از رئیس شهربانی سؤال کردم، گفت این کار بهبهانی است.

بهبهانی یکی از معاونان سازمان برنامه بود و در قضایای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به‌طور مؤثری از شاه طرفداری کرده بود. گفتم اگر کار این شخص باشد باید از سازمان برنامه برود و اگر خودش استعفا ندهد دستور خواهم داد به خدمتش خاتمه بدهند. علوی مقدم رفت و چند دقیقه بعد برگشت و گفت بهبهانی حاضر نیست استعفا بدهد. بلافاصله دستور انفصال او را دادم. مأموران شهربانی هم چاقوکش‌ها را متفرق کردند» (عروسی، ۱۳۷۱: ۳۴۳-۳۴۴). همچنین از بررسی اطلاعات موجود در خاطرات ابتهاج، سایر ویژگی‌های مرسوم دیوان‌سالاری مدرن قابل تشخیص است، ازجمله اهمیت شایستگی فنی در استخدام‌ها و حاکمیت قوانین و مقررات (همان: ۳۵۹-۳۳۶).

ابتهاج از همان آغاز کار در سازمان، به این نتیجه می‌رسد که برای حُسن جریان کارها باید دو دستگاه مختلف شکل دهد؛ یک دفتر اقتصادی و یک دفتر فنی. او اشاره می‌کند که ایجاد دفتر اقتصادی با وجود وزارت مالیه کاری دشوار بوده و مجبور بوده است که اعتبار آن را از جایی دیگر فراهم کند (همان: ۳۳۵). ابتهاج تأکید زیادی بر کار دقیق و کارشناسی و مطالعاتی داشت و بدون بررسی‌های لازم، حتی از خلال کارشناسان خارجی و متبحر، اقدام به امضای هیچ قراردادی نمی‌کرد (معینی، ۱۴۰۰: ۴۴). تخصص‌گرایی ابتهاج تا به آن حد بود که به‌صراحت به شاه می‌گوید که حاضر به اجرای کورکورانهٔ اوامر وی نیست (معینی، ۱۳۹۹: ۵۸). هرچند باید به این نکته اشاره کرد که در شرایط آن روز ایران و در وضعیت فقدان نهادینه‌شدن امور اداری و دیوان‌سالارانه، درنهایت، هم شخصیت ابتهاج و هم رابطهٔ شخصی او با شاه، منجر به برپایی و استحکام سازمان برنامه شده بود (مولایی و وهیبی، ۱۳۹۹: ۲۱۴). شخصی‌گرایی اگرچه در برابر نوع آرمانی دیوان‌سالاری وبری قرار می‌گیرد اما در آن زمان، عاملی برای برپایی دیوان‌سالاری شد.

ابتهاج تأکید زیادی روی استخدام متخصصان برای اجرای طرح‌های عمرانی داشت و به‌علت فقدان چنین افرادی در آن روزگار در ایران، فی‌المثل برای ساخت سد با کمک بلاک، رئیس بانک جهانی، این افراد را شناسایی و استخدام کرد. همین‌طور جوانان لایق و تحصیل‌کردهٔ ایرانی در خارج را دعوت به حضور و کار در ایران کرد (عروسی، ۱۳۷۱: ۳۳۶). درعین‌حال، ابتهاج نسبت به سلسله‌مراتب و اقتدار قانونی و ممانعت از تشکیل گروه‌های ذی‌نفع درون سازمان و شایسته‌سالاری، بسیار حساس بود. او یکی از تحصیل‌کردگان آمریکا را به‌سبب استخدام توصیه‌ای فردی دیگر از کار برکنار کرد و حتی به اعتراض دوستانش به‌شدت واکنش نشان داد: «به آنها

گفتم این اولین و آخرین باری باشد که در این نوع کارها دخالت می‌کنید. من نمی‌خواهم جبهه‌ای از تحصیل‌کرده‌های آمریکا در سازمان برنامه تشکیل شود» (همان: ۳۳۷). در خاطرات خود اشاره می‌کند که نظر خصوصی‌اش را حتی دربارهٔ کار کسانی که از آنها شخصاً خوشش نمی‌آمد، دخالت نمی‌داده است؛ به‌عنوان مثال، از فردی یاد می‌کند که کتابی علیه او نوشته بود اما چون صلاحیت فنی داشته است، او را استخدام می‌کند (همان: ۳۴۶). او حتی تصمیمی را برای پایین آوردن قیمت سیمان می‌گیرد که آشکارا به‌ضرر برادرش به‌عنوان تولیدکنندهٔ سیمان بود اما برای منافع عمومی، از آن تصمیم دفاع می‌کند. حتی توصیه‌های دفتر مخصوص برای انتخاب مقاطعه‌کار را رد می‌کند و بر برگزاری مناقصه پافشاری می‌نماید (همان: ۳۴۷).

ابتهاج همواره بر نقش علم و مطالعه در کارهای سازمان تأکید می‌کرد. او دربارهٔ تهیهٔ برنامه عمرانی دوم چنین می‌گوید: «شاید وکلای مجلس فکر می‌کردند که ابتهاج می‌نشیند در منزلش و مطابق سلیقهٔ خودش برنامهٔ عمرانی درست می‌کند و بعد هم، از روی تعصب روی برنامه‌ای که تهیه کرده ایستادگی می‌کند. درحالی‌که سلیقه و تعصب شخصی کوچک‌ترین دخالتی در کارها نداشت. مدتی سعی کرده بودم با کمک دیگران افراد تحصیل‌کرده و متخصص را در رشته‌های مختلف جمع کنم و با نظر آنها برنامهٔ هفت‌سالهٔ دوم را تنظیم کنم. بعد از تحقیق فراوان یک هیئت شصت‌نفره را انتخاب کردم که در میان آنها مهندسان درجه‌یک، پزشکان برجسته و متخصصان سایر زمینه‌ها شرکت داشتند که بخش‌های مختلف برنامهٔ هفت‌سالهٔ دوم با نظر این هیئت شصت‌نفره تهیه می‌شد. این هیئت ماه‌ها مشغول این کار بود و من در جلسات اولیهٔ آن شخصاً شرکت می‌کردم» (همان: ۳۶۳).

هم‌نوایی امر جزئی با امر کلی

بحث وبر دربارهٔ دیوان‌سالاری، بی‌ارتباط با بحث هگل دربارهٔ رابطهٔ امر جزئی و امر کلی نیست و گویی در گفتگو و با تعمیم آن شکل گرفته است. در اینجا پرسش این است که در یک سازمان دیوان‌سالارانه تا چه اندازه امر جزئی با اهداف امر کلی همسو و هم‌جهت است؛ به‌عبارت دیگر، ما در یک سازمان تا چه اندازه با فردیت افسارگسیخته روبه‌رویم و ازسوی دیگر تا چه اندازه سرکوب فردیت افراد به‌نفع اهداف کلی در آن سازمان را شاهدیم. همین امر را می‌توان تعمیم داد به اینکه

یک سازمان خاص، چگونه می‌تواند در مسیر یا برخلاف منافع عمومی جامعه اقدام کند و در عین حال سرکوب‌کننده فردیت افراد نیز نباشد. دورکیم نیز در کتاب درس‌های جامعه‌شناسی و در گفتگویی با هگل و البته با خوانشی نه‌چندان صحیح از او چنین می‌نویسد: «تردیدی نیست که در شمار بسیار زیادی از جامعه‌ها، طبیعت اهداف دنبال‌شده به‌وسیله دولت واقعاً باید چنین بوده باشد: افزایش قدرت دولت و پرافتخارتر کردن نام آن، این تنها هدف اصلی فعالیت عمومی بود. منافع و نیازهای فردی مورد توجه قرار نمی‌گرفت» (دورکیم، ۱۳۹۱: ۱۱۷).

پس از بررسی ویژگی‌های دیوان‌سالاری مدرن در سازمان برنامه‌بودجه، اکنون با استفاده از معیار دوم چارچوب مفهومی، به این مسئله می‌پردازیم که در سازمان مذکور تا چه میزان، با فردیت رها و افسارگسیخته و یا ازسوی دیگر، با سرکوب فردیت افراد مواجهیم؛ به بیان ساده‌تر، در اینجا، به این مسئله توجه می‌شود که این سازمان در زمان ریاست ابوالحسن ابتهاج تا چه میزان می‌توانست میان منافع شخصی و اهداف جزئی اعضای خود و اهداف کلی سازمان، هماهنگی ایجاد کند. عروسی از قول ابتهاج چنین می‌نویسد: «یکی از شرایطی که برای قبول سازمان برنامه این بود که حقوق خودم و همکارانم در تمام سطوح باید طوری باشد که زندگی ما را تأمین کند و من قادر باشم از آنها امانت و درستی بخواهم. به همین جهت هنگامی که بودجه سالانه سازمان برنامه را نخستین‌بار تهیه و برای دولت فرستادم برای معاونان دو هزار و پانصد تومان حقوق در ماه پیشنهاد کردم. به من تلفن کردند که به هیئت دولت بروم. وقتی رفتم گفتند که بودجه پیشنهادی شما را بررسی کردیم و نمی‌توانیم با پرداخت این حقوق موافقت کنیم. از آنها پرسیدم چرا؟ گفتند: چون حقوق خود ما که وزیر هستیم دو هزار و پانصد تومان است، چطور می‌توانیم برابر آن به معاونان شما بدهیم؟ من با عصبانیت گفتم شما که نمی‌توانید با دو هزار و پانصد تومان در ماه زندگی کنید پس یا شخصاً متمول هستید و از پول خودتان امرارمعاش می‌کنید یا می‌دزدید یا قرض می‌کنید به نیت اینکه قرضتان را پس ندهید». ابتهاج در ادامه توضیح می‌دهد که این امر، با مداخله شاه حل شد و حتی اشاره می‌کند که کارمندان بقیه دستگاه‌های دولتی، از میزان حقوق‌های سازمان برنامه اطلاع پیدا کردند ولی هیچ‌کس اعتراض نمی‌کرد، چون می‌دانستند هیچ کجا چنین طرز کار و انضباطی وجود ندارد (همان: ۳۳۸-۳۳۹).

بنابراین، در سازمان برنامه‌وبودجه در زمان ریاست ابوالحسن ابتهاج، نه با فردیتی افسارگسیخته مواجهیم که منافع عمومی و اهداف کلی سازمان را قربانی منافع شخصی و اهداف جزئی خود کند، نه با سرکوب فردیت افراد و اعضای سازمان و حل‌شدن فردیت آنها در کلیت سازمان، زیرا با توجه به اطلاعات موجود در این بخش از کتاب عروضی، ابتهاج از همان ابتدا و آغاز ریاست خود در این سازمان، به‌دنبال ایجاد هماهنگی میان منافع شخصی اعضا و کارکنان این سازمان با منافع عمومی سازمان بود و برای این امر، تلاش زیادی به خرج داد. در رابطه با این مسئله، هگل در بند ۱۸۳ از کتاب عناصر فلسفهٔ حق چنین می‌نویسد: «هدف خودخواهانه، در تحقق خود و درحالی‌که بدین‌ترتیب با کلیت مشروط شده، نظامی از وابستگی‌های متقابل همه‌جانبه برقرار می‌کند، به‌گونه‌ای که معیشت و بهروزی فرد و وجود برحق او با معیشت، بهروزی و حقوق همگان در هم آمیخته و به این امور وابسته است و تنها، در این بستر، فعلیت و تأمین دارد» (هگل، ۱۳۷۸: ۲۳۶). ابتهاج از یک‌سو به فکر تأمین و تضمین حقوق ماهیانهٔ کارکنان سازمان برنامه‌وبودجه بود و برای تأمین منافع شخصی و اهداف جزئی آنها می‌کوشید و از سوی دیگر، از آنها انتظار داشت که وظایفشان در سازمان را به‌نحو احسن انجام دهند، رشوه‌خواری نکنند و این سازمان را درگیر فساد نسازند؛ بنابراین، با بررسی معیار دوم در سازمان برنامه‌وبودجه در زمان ریاست ابوالحسن ابتهاج، می‌توان گفت که این سازمان به‌خوبی توانسته بود میان اهداف جزئی اعضای خود و اهداف کلی خودش، هماهنگی ایجاد کند.

ذیل این معیار باید به نکته‌ای دیگر نیز بپردازیم که تا حدی نسبت به قبلی متفاوت است. آنجا بحث بر این بود که سازمان نسبت به فرد سرکوب‌کننده نباشد و درعین‌حال تعهد فرد نسبت به سازمان را بطلبد، اما موضوع بعد این است که سازمان موردبحث تا چه میزان، هم به‌دنبال تحقق منافع شخصی اعضای خود و هم درصدد تحقق منافع عمومی و اهداف کلی جامعه بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که سازمان موردبحث در این امر نیز موفق بوده است: شرط ابتهاج برای تقبل این مسئولیت، عدم‌مداخلهٔ شخص نخست‌وزیر یا هر فرد دیگر در امور این نهاد و نیز مطالعه و بررسی اسناد و گزارش‌های آن دستگاه بود. البته طرح‌ها قبل از اجرایی‌شدن باید به تأیید نمایندگان مجلس شورای ملی می‌رسیدند. بررسی عملکرد برنامه‌های عمرانی و توسعه‌ای ایران نشان می‌دهد که برنامه‌های عمرانی به‌ویژه از برنامهٔ سوم به بعد، به توسعهٔ سریع صنعتی‌شدن منجر شدند

(نادر نژاد، ۱۳۹۱: ۸۸۹). ابتهاج در دیدار با نمایندگان، بر اهمیت دقت نظر در مخارج ملی تأکید کرد: «آقایان پول خرج کردن از جیب یک نفر دیگر کار آسانی است... اما هدف من این است که پول مملکت را طوری به مصرف برسانم که مرتکب اشتباهاتی که در گذشته شده‌اند نشوم» (معینی، ۱۴۰۰: ۴۳).

ابتهاج حتی به درآمدها و هزینه‌های نسلی و بین نسلی نیز توجه داشته است. از نظر او هزینه‌هایی سنگین مثل احداث راه آهن که برای نسل‌های بعدی نیز کاربردی است، نباید بر دوش یک نسل بیفتد؛ بنابراین، چنین طرح‌هایی فقط باید از طریق وام و اعتبار از داخل یا خارج اجرایی شوند (معینی، ۱۳۹۹: ۵۶).

ابتهاج در جلسه‌ای که با هیئت بانک جهانی در تهران دارد، با ایراد تندروی در اجرای برنامه‌های عمرانی مواجه می‌شود اما به صراحت پاسخ می‌دهد که این تنها راه نجات ایران است و باید با اجرای برنامه‌ای وسیع و جامع، کارهایی عظیم انجام داد تا عقب‌ماندگی‌ها را جبران کرد (معینی، ۱۴۰۰: ۴۵)؛ بر این اساس، سازمان را کاملاً در جهت منافع ملی و عمومی ایران طراحی و مدیریت می‌کرد. اقدامات توسعه‌ای ابتهاج در خوزستان به خوبی گویای این امر است. او از یک طرف با اینکه هفت درصد از درآمد نفت خوزستان سهم همان استان شود، مخالفت می‌ورزد: «به آنها گفتم من با تمام قوا با چنین طرحی مخالفت خواهم کرد. گفتم نیت من این است که مملکت ما یک برنامه عمرانی جامع و هماهنگ داشته باشد. اگر من حرف شما را قبول کنم چند روز دیگر آذربایجانی‌ها می‌آیند و می‌گویند شما مشروطیت را مدیون ما هستید و قسمتی از درآمد نفت را برای خودشان می‌خواهند و غیره» (عروضی، ۱۳۷۱: ۳۷۵). در عین حال، اهتمامی ویژه به توسعه خوزستان داشت و برنامه‌های زیادی را در آنجا اجرا کرد: «در گزارشی که درباره امکانات سدسازی در خوزستان تهیه شده بود ساختمان چهارده سد نیز مشخص شده بود» (همان، ۱۳۹۲). او حتی به طور شخصی، پیگیر دریافت وام بانک جهانی برای سد دز شد.

نقض یک‌سالاری و مشکلات گسترده‌ی وظایف

ویر یک‌سالاری یا مونوکراسی را- که مفهومی متمایز از اتوکراسی است- یکی از ویژگی‌های مهم دیوان‌سالاری می‌داند و منظور از آن، یکپارچگی در اداره است، به نحوی که هر بخشی از سازمان یا

اداره یا حتی دولت، سازی جداگانه نزند و اهدافی متفاوت برای خود تعریف نکند. خود ابتهاج، در نامه‌ای به متین‌دفتری، خلأ برنامه و فقدان مرکزیت را دو علت عمدهٔ مغشوش‌بودن وضع اقتصادی کشور می‌داند (معینی، ۱۳۹۹: ۵۶)، اما آماده‌نبودن سازمان‌های دولتی برای برنامه‌ریزی و اجرا در ایران، ابتهاج را بر آن داشت که نقش‌های وسیع‌تری از تعریف معمول یک سازمان برنامه‌بودجه را بر عهده بگیرد. در این مسیر نیز به‌طور مستقیم نیازمند حمایت شخص شاه بود.

یکی از مهم‌ترین معیارهایی که در بررسی و تجزیه و تحلیل یک سازمان باید به آن توجه کرد، این است که گستره، وسعت و تنوع وظایف و اهداف کلی تعریف‌شده برای یک سازمان خاص چقدر است، زیرا داشتن بهره‌وری بالا و همچنین تحقق هرچه بهتر منافع عمومی و اهداف کلی یک جامعه به‌وسیلهٔ یک سازمان خاص، ارتباطی تنگاتنگ با این موضوع دارد که گسترهٔ وظایف تعریف‌شده برای آن سازمان تا چه اندازه محدود است. هرچقدر که گسترهٔ وظایف یک سازمان فراخ‌تر، متنوع‌تر و گسترده‌تر باشد، احتمال اینکه آن سازمان، تمام وظایف خود را با کیفیتی بالا انجام دهد، کمتر خواهد بود و بهره‌وری آن سازمان نیز کمتر خواهد بود. درمقابل، هرچقدر که گسترهٔ وظایف تعریف‌شده برای یک سازمان خاص محدودتر و تخصصی‌تر باشد، بهره‌وری آن سازمان بالاتر خواهد بود و احتمال اینکه تمام وظایفش را با کیفیتی بالا انجام دهد نیز بیشتر خواهد بود. همچنین این امکان برای آن سازمان وجود خواهد داشت که راحت‌تر بتواند میان اهداف جزئی اعضای خود و اهداف کلی سازمان و همچنین میان اهداف جزئی اعضای خود و اهداف کلی جامعه هماهنگی ایجاد کند.

آخرین معیار چارچوب مفهومی این پژوهش، به بررسی گسترهٔ فعالیت سازمان برنامه‌بودجه در زمان ریاست ابوالحسن ابتهاج می‌پردازد؛ بدین ترتیب، مهم‌ترین پرسشی که درخصوص سازمان برنامه‌بودجه در اینجا می‌توان مطرح کرد، این است که آیا سازمان برنامه‌بودجه در زمان ریاست ابتهاج، سازمانی با گستره‌ای وسیع از وظایف بود یا اینکه وظایفی محدودتر و تخصصی‌تر داشت. دربارهٔ معیار مونوکرایی باید این‌گونه بگوییم که آیا این سازمان توانسته بود نقشی یکپارچه‌ساز در سازمان اداری و اجرایی ایران ایفا کند یا نه.

یافته‌های موجود، حاکی از آن‌اند که این سازمان در زمان ریاست ابتهاج، سازمانی با گستره‌ای وسیع و متنوع از وظایف بوده است و این امر، مهم‌ترین دلیل کاهش بهره‌وری و کیفیت این

سازمان در محقق ساختن برخی از وظایف محول شده به آن بود: «نباید از نظر دور داشت که دو مسئله اساسی پیش روی ریاست جدید سازمان قرار داشت: اولاً سامان دادن به امور و برنامه‌هایی که از قبل (طی برنامه هفت‌ساله اول عمرانی) شروع شده بودند، اما به اتمام نرسیده بودند. ثانیاً فراهم کردن مقدمات تهیه برنامه عمرانی دوم. در اسناد سازمان برنامه به لزوم داشتن برنامه تأکید شده است. سازمان برنامه نه تنها به برنامه‌ریزی برای کل کشور می‌پرداخت، بلکه مجری طرح‌ها نیز بود؛ راه‌سازی می‌کرد، سد و فرودگاه می‌ساخت. کارخانه روغن‌زیتون داشت و آن وقت می‌بایست ذوب‌آهن نیز داشته باشد. این سازمان حتی مسئولیت مبارزه با مالاریا را نیز بر عهده داشت» (نادرزاد، ۱۳۹۱: ۸۹۰). این گستردگی، همواره مشکلاتی برای سازمان ایجاد کرده بود: «یکی از مشکلات سازمان به‌رغم هدف والایی که در ابتدای تأسیس این سازمان وجود داشت (اگر بپذیریم که قرار بود سازمان برنامه به صنعتی کردن و به‌طور عمده به توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور کمک کند)، گستردگی حجم فعالیت‌ها و درهم‌تنیدگی حیطه کاری تحت نظارت سازمان بود که ازجمله آن امور بهداشتی، زیربنایی و نظارت بر طرح‌هایی بود که مجری آن وزارتخانه‌ها بودند. واضح است که هرکدام از این امور، خود نهاد جداگانه و نیز برنامه‌ریزی‌های خاص خود را می‌طلبید و تابع قرار گرفتن آنها در یک مجموعه، تنها به کندشدن روند اجرائی آنها و خوب‌اجرانشدنشان انجامید» (همان: ۸۹۴).

نحوه تعامل سازمان با دیگر دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها نیز از این منظر دچار تنش بود. یکی از مهم‌ترین اختلافات ابتهاج، با شریف‌امامی - وزیر وقت صنایع و معادن - بود. شریف‌امامی خواهان گرفتن کامل اختیارات صنعتی بود و ابتهاج می‌خواست آن را ذیل نظر سازمان برنامه قرار دهد (همان: ۸۹۲). حتی از لحاظ آمار و اطلاعات نیز یکپارچگی لازم در نظام اداری و اجرایی ایران وجود نداشت؛ به‌عنوان نمونه، حتی شرکت ملی نفت ایران نیز میزان صدور نفت و میزان درآمد نفتی ایران را در اختیار سازمان قرار نمی‌داد. سازمان از طریق ارتباط با کنسرسیوم چنین ارقامی را به دست می‌آورد. وضعیت به‌گونه‌ای بود که تصویری مستقل از دولت از سازمان شکل گرفته بود و عنوان «دولت در دولت» را بر آن نهاده بودند (همان: ۸۹۷).

یکی دیگر از اختلافات همیشگی ابتهاج با شاه، بر سر خریدن جنگ‌افزارهای آمریکایی بود که مورد مخالفت ابتهاج بود. ابتهاج نتوانست شاه را قانع کند که توسعه امور نظامی نخواهد توانست مشکل

توسعه‌نیافتگی سیاسی و اقتصادی کشور را حل کند. از این رهگذر، حتی آمریکایی‌ها نیز از ابتهاج ناخرسند شدند و در نهایت نیز به کاهش حمایت‌های شاه و استعفای ابتهاج انجامید (همان: ۸۹۳).

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد تا سازمان برنامه‌وبودجه در زمان ریاست ابوالحسن ابتهاج بررسی جامعه‌شناختی شود و در نهایت، بتوان رویکردی انتقادی نسبت به این سازمان اتخاذ کرد؛ از این رو، چارچوبی مفهومی طراحی شد تا با استفاده از آن بتوان به این منظور دست یافت. برای گردآوری داده‌ها، از روش اسنادی استفاده شد. این نتیجه حاصل شد که سازمان برنامه‌وبودجه در زمان ریاست ابتهاج، دیوان‌سالاری‌ای مدرن به شمار می‌رود و این سازمان در آن زمان به‌خوبی توانسته بود بین منافع شخصی اعضای خود و اهداف کلی سازمان و همچنین بین منافع شخصی اعضای خود و منافع عمومی جامعه، هماهنگی ایجاد کند.

اما از منظر جامعه‌شناسی سازمان‌ها، مهم‌ترین نقدی که می‌توان به این سازمان در زمان ریاست ابتهاج وارد کرد، همان چیزی است که در بخش قبلی این پژوهش به آن اشاره شد؛ یعنی از منظر جامعه‌شناسی سازمان‌ها مهم‌ترین نقدی که متوجه این سازمان است، این است که این سازمان، با گستره‌ای وسیع و متنوع از وظایف روبه‌رو بود که در آن زمان انتظار می‌رفت این کارها و وظایف را سازمان برنامه‌وبودجه بر عهده گیرد و ماحصل چنین وضعیتی، نقض مونوکراسی و یکه‌سالاری در نظام اداری و تصمیم‌گیری ایران بود. شکی نیست که این سازمان، در انجام برخی از وظایف خود در زمان ریاست ابتهاج، موفقیت‌هایی مهم داشته است ولی این امر کاملاً طبیعی است که انجام برخی وظایف دیگر، کیفیت لازم را نداشته باشد.

منابع

- امیدی، نبی (۱۴۰۳). «بررسی نقش ابوالحسن ابتهاج در شکل‌گیری سازمان برنامه و تفکر برنامه‌ریزی توسعه در ایران». پژوهشنامهٔ تاریخ، ۱۹ (۷۴): ۲۳-۴۲.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۱). درس‌های جامعه‌شناسی. ترجمهٔ سید جمال‌الدین موسوی، تهران: نشر نی.

عروسی، علیرضا (۱۳۷۱). خاطرات ابوالحسن ابتهاج. تهران: انتشارات علمی.
معینی، امیرحسین (۱۳۹۹). «مروری بر زندگی و اقدامات ابوالحسن ابتهاج ۳». سیمای بانکداری،
۲۸.

معینی، امیرحسین (۱۴۰۰). «مروری بر زندگی و اقدامات ابوالحسن ابتهاج ۴». سیمای بانکداری،
۳۹.

مولایی، آیت و وهیبی‌فخر، مریم (۱۳۹۹). «اقدامات ابوالحسن ابتهاج در ساختار نظام برنامه‌ریزی
ایران؛ تحلیل از دیدگاه حقوق اداری». فصلنامه حقوق اداری، ۸ (۲۴): ۲۰۹-۲۳۰.
نادرزاد، پروانه (۱۳۹۱). «درآمدی بر فعالیتهای سازمان برنامه در زمان ریاست ابوالحسن ابتهاج».
پیام بهارستان، ۴ (۱۶).

وبر، ماکس (۱۳۸۷). دین، قدرت، جامعه. ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات هرمس.
هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش (۱۳۷۸). عناصر فلسفه حق. ترجمه مهبد ایرانی‌طلب، تهران:
انتشارات پروین با همکاری نشر قطره.